

هویت جنسیتی مردان و زنان در کلان شهر تهران

سوسن باستانی*

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)

پریسا موسی نژاد

کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء(س)

چکیده

هدف این پژوهش بررسی هویت و جنسیت در قالب مفهوم هویت جنسیتی در میان زنان و مردان ساکن کلان شهر تهران بود. هویت جنسیتی احساسی است که یک فرد نسبت به خود تحت عنوان یک مرد یا یک زن دارد؛ حالتی که احساسی از مردانگی یا زنانگی را در او به وجود می‌آورد. این مطالعه با روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن شهر تهران هستند. حجم نمونه ۳۴۲ نفر است که برای انتخاب آن‌ها از نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با حجم نمونه استفاده شد؛ با تقسیم تهران به سه قسمت شمال، مرکز و جنوب، نمونه‌ها از سه منطقه ۳، ۱۱ و ۱۸ شهر تهران انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد هویت جنسیتی در افراد مورد مطالعه شکل گرفته است و مردان به نسبت زنان هویت جنسیتی قوی‌تری دارند و تحت تأثیر این هویت قرار دارند. در مقایسه بین سه منطقه، ساکنان منطقه ۱۸ از هویت جنسیتی قوی‌تری بهره‌مند هستند.

واژگان کلیدی

جنسیت؛ هویت جنسیتی؛ هویت فردی؛ هویت اجتماعی؛ کلان شهر تهران

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۲/۹

مقدمه و بیان مسأله

بی‌گمان همه افراد، از نوجوان تا کهنسال، واژه «مرد» و واژه «زن» را شنیده‌اند؛ این واژگان برای آن‌ها تداعی‌گر مفهومی خاص است؛ گروهی از این واژه، مفهوم جسمی و جنسی^۱ و گروهی مفهوم اجتماعی را در ذهن تصور می‌کنند. این تصور در اذهان همگان مفهومی را به وجود آورده و دیدگاهی را نیز نسبت به هر دو جنس ترسیم می‌کند. نکته‌حایز اهمیت این پژوهش، پذیرش واقعیتی انکارناپذیر است که از تفاوت زن و مرد در آفرینش نشأت می‌گیرد؛ زن و مرد به لحاظ زیست‌شناختی تفاوت‌های آشکار و پنهانی با هم دارند، اما آن‌چه تأمل‌پذیر است پندارها و خویشتن‌یابی‌های متفاوت است که برای افراد رقم می‌خورد.

اولین پرسش اکثر مردم، لحظاتی پیش و پس از تولد یک نوزاد، آن است که «نوزاد دختر است یا پسر؟» پاسخ این پرسش نه تنها نشان‌دهنده جنس نوزاد است، بلکه نشان‌دهنده مسیری است که او تا پایان عمر طی خواهد کرد. در حقیقت جنس سرنوشت افراد را تعیین می‌کند و لذا این مبنای کلیدی مورد توجه است که جنسیت افراد در کسب هویت و شناخت خویشتن آن‌ها تأثیر انکارناپذیری دارد و بدیهی است کسب هویت و شناخت خویشتن نیز در زنان و مردان متفاوت باشد. بر همین اساس این فرض همگانی اعلام می‌شود که حالات خاصی از مردانگی و زنانگی^۲ وجود دارد؛ ادعایی که معتقد است انسان‌ها، «مرد» یا «زن» متولد نمی‌شوند، بلکه به طریق اجتماعی، مرد یا زن به وجود می‌آیند^۳؛ مرد یا زن متولد می‌شوند، اما یاد می‌گیرند، تحت فشار قرار می‌گیرند و وادار می‌شوند هویت مردانه یا زنانه بپذیرند؛ در نتیجه انتظار و نقش‌های جنسیتی^۴ یا الگوهای رفتاری و تعهدی خاص نسبت به هر جنس وجود دارد.

از سوی دیگر، گسترش روزافزون علوم ارتباطی و تحولات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن تغییر شرایط (کارکردها و موقعیت‌ها) سبب شده که تلاش هر فرد برای شناخت و کسب هویت جنسیتی در هسته‌ای متشکل از منابع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ساختاری شکل

1. بیولوژیک

2. Masculinity & femininity

3. دیدگاه رابرت ووکانل در خصوص مردانگی و دیدگاه سیمون دوبوار در خصوص زنانگی

4. Gender Roles



یابد. بر این اساس، از یک سو هویت از الزامات تعامل اجتماعی است و از سوی دیگر، بدون مشارکت در تعاملات اجتماعی، هویت یابی امری ناممکن است و هویت جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نیست؛ یعنی جدا از جامعه، کنش ها و مبادلات انسانی، هیچ «خود»ی به وجود نمی آید و شخص با توجه به اینکه در چه زمانی و چه مکانی و به چه علتی حضور داشته باشد هویت او تغییر می کند. بر این اساس هویت به طور کامل در اجتماع (به معنای عام) ساخته می شود (جنکینز، ۱۳۸۱)؛ در نتیجه هویت ناشی از کنش های متقابل افراد است. کنش متقابل فرایندی است که به تنهایی و توسط یک فرد انجام نمی شود و حداقل دو فرد در ارتباط با یکدیگر دست به کنش و واکنش می زنند و کنش هر فرد به کنش یا واکنش دیگری یا دیگران وابسته است. در این فرایند هر فرد از طریق زبان و حرکات نمادین سعی در تأثیرگذاری بر رفتار و اندیشه فرد دیگر دارد، ضمن آن که طرفین این کنش با تعریف و تفسیر موقعیت خود به این فرایند معنا می دهند (عضدانلو، ۱۳۸۶؛ ۵۰۸).

لذا می توان عنوان کرد که فرد در فرایند جامعه پذیری و تعاملات اجتماعی با روندهای اصلاح پذیر مواجه می شوند که می تواند وجود و ساختار ذهنی او را با بازتعریف مواجه کند. بر همین مبنا، همان گونه که گیدنز «هویت» را به تلقی افراد از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برای آن ها معنادار است، تعریف می کند؛ این نگرش و تصویری که به مرور زمان بر حسب جنسیت در فرد ریشه می گیرد؛ فرد، تمایلات و تعاملات او را تحت کنترل قرار داده و تصویری خاص را در او می پرواند که مبنای بسیاری از نقش ها و تصورات او از «مرد بودن» یا «زن بودن» یا همان مردانگی و زنانگی می شود. نتیجه این فرایند شکل گیری هویت جنسیتی در هر فرد است. بنابراین، هویت جنسیتی بازتابی از احساس مرد بودن یا احساس زن بودن فرد تلقی می شود که بر مجموعه ای از نگرش ها، الگوهای رفتاری و احساس مردانگی یا زنانگی مبتنی است.

جامعه شناسان معتقد هستند کنش های متقابل بازتابنده نیروهای آشکار و پنهان اجتماعی هستند که بر حسب زمان (تاریخ) و مکان (فرهنگ) تجربیات افراد را محدود کرده و آن ها را به سوی شیوه های رفتار، احساس و اندیشه های مشخص و همنا هدایت می کنند (مانهایم به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴) بر این اساس هویت افراد در یک رابطه دیالکتیکی بین کنشگر (عامل) و جامعه (ساختار) شکل می گیرد، لذا شناخت توأمان خود و دیگران نیز حاصل یک فرایند

دیالکتیک درونی- برونی است که بیان‌کننده رابطه دو سویه میان هویت و اجتماع است (جنکینز، ۱۳۸۶).

در نگاهی عمیق‌تر، افراد هویت خود را در جریان کنش متقابل به گفتگو می‌گذارند و در جریان رقابت‌های تعاملی بین موقعیتی، افراد تصویری از خود برای پذیرفته شدن به وسیله دیگران ارائه می‌دهند. بر این اساس هویت فردی در ارتباطاتی شکل می‌گیرد که بین تصویر خود و تصویر عمومی ایجاد می‌شود. لذا مناطق تعاملی، منشأ و منبع ایجاد هویت‌های خاص هستند و نهادها و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه شکل‌دهنده شیوه‌های تعامل روزمره افراد و هویت آن‌ها است (جنکینز، ۱۳۸۱). کلان شهر به‌عنوان یکی از ساختارهای فرافردی- در کنار دولت و خانواده- تبلوری از کنش متقابل به هم پیوسته افراد است.

تحقق خویشتن در سطح خرد و کلان با تنظیم مجدد زمان و فضا در محیط‌های اجتماعی دچار تغییر می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶). به این معنا که به دلیل جامعه‌پذیری، کردار افراد تحت تأثیر کثرت‌یابی‌های گوناگون قرار دارد و افراد برای کنش ارتباطی با دیگران رفتاری مناسب با مقتضات از خود نشان می‌دهند. کثرت محیط اجتماعی و گوناگونی نقش‌های افراد، به صورت هم‌ارز بر میزان انگیزه افراد برای کنش‌های آتی و هویت آن‌ها تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۵). فرآورده‌های فرهنگی ساخته انسان در دوره جدید آزادی سبب چیرگی بیش از پیش بر انسان می‌شود (تئوری زیمل) سلطه روح عینی (تکنولوژی و عقلانیت) بر روح ذهنی (فرهنگ) «تراژدی فرهنگ» یا همان «شی‌وارگی» را خلق می‌کند به این معنا که انسان مدرن در عین‌رهایی از قیود ارزش‌ها، نهادها و سازمان‌های جوامع سنتی از نظر فرهنگی در وضعیت تراژدی به سر می‌برد و این مسأله به شکل‌گیری شخصیت و هویت دیگری از او منجر می‌شود. لذا شکل‌گیری هویت افراد بر نحوه فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری استوار است که با استفاده از آموزش یا ابزارهای فرهنگی اجتماعی (زبان، معانی، علائم و پدیده‌ها) انجام می‌شود. در این دیدگاه هویت فردی و جامعه‌پذیری، سازنده هویت جنسیتی و ادراکات و رفتارها تلقی شده و درباره آن بحث می‌شود.

این پژوهش با این دورنمای کلیدی که هویت جنسیتی به‌عنوان «پدیده‌ای اجتماعی»، به‌طور مداوم و روزمره در اجتماع ایجاد و دگرگون شده و در فعالیت‌های بازتابی حفظ و پشتیبانی می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۵)، به بررسی و شناسایی پیوند میان عامل و ساختار اقدام می‌کند. تلفیق



سطح کلان و خُرد یا عاملیت و ساختار از دهه ۱۹۸۰ میلادی، مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است. مارگارت آرچر (۱۹۸۸) معتقد است که این رابطه یک قضیه بنیادین در نظریه‌های اجتماعی نوین است که تنش و تأثیر بین این دو حوزه را در خود مستتر دارد (آرچر، ۱۹۷۸: ۳۷۹، به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۸-۶۹۷). عاملیت همان‌گونه که برنز (۱۹۸۱) اشاره کرده است، عوامل انسانی کنشگران فردی و گروهی است که ساختارهای پهن جامعه به کنش متقابل با یکدیگر می‌پردازند و روابط میان آن‌ها بازتولید می‌شود و فرهنگ‌ها و الگوواره‌های میان افراد و گروه‌ها نیز بخشی از این ساختارهای پهن جامعه محسوب می‌شود (برنز، ۱۹۸۱: ۶۶-۹ به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۰۰-۶۹۹).

تاجبخش (۱۳۸۶) در بررسی الگوهای زندگی اجتماعی در شهرها، مفاهیم هویت، فضا، قدرت و ساختار اجتماعی را به هم پیوند می‌زند و معتقد است که ساختار اجتماعی الگودهی زندگی روزمره فرد را با محدودیت‌های کنش مواجه می‌کند؛ به اعتقاد او کنش‌های نظام‌مند تحت تأثیر کامل عناصری اجتماعی (و عناصری شهری) معرفی می‌شوند. بر این اساس عوامل اجتماعی حاکم بر جامعه محل سکونت فرد یعنی ارتباطات و تعاملات فرد (ارتباط با خانواده، با دوستان و رسانه‌های) و فرهنگ‌های حاکم بر این جامعه (کلیشه‌ها و الگوواره‌ها) بر فرد و هویت جنسیتی او تأثیر انکار ناپذیر دارد. به این ترتیب سعی بر این است که با بررسی عامل فردی (تصورات فرد از خود و تصورات القاء شده دیگران به فرد) به عنوان سازنده هویت جنسیتی، هویت جنسیتی افراد تعریف، بررسی، تحلیل و سنجش شود. بی شک محل سکونت فرد تأثیر انکار ناپذیری بر زندگی، تعاملات و افکار فرد دارد؛ گرچه فقدان امکانات لازم در این پژوهش، امکان مقایسه محل سکونت شهری و غیر شهری را فراهم نمی‌کند، اما به نظر می‌رسد در کلان‌شهرها پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد در انتخاب منطقه محل سکونت او تأثیر دارد، لذا در مقایسه‌ها به منطقه شهری محل سکونت فرد توجه ویژه مبذول می‌شود.

به گفته آنتونی گیدنز^۱ (۱۳۸۶) جامعه در فرآیندی مستمر به کودکان و سایر اعضای جدید جامعه، روش زندگی در جامعه را می‌آموزد. این فرایند «اجتماعی شدن»^۲ نام دارد، تصورات یا ارزش‌های حاکم بر این فرایند، به تعاملات دنیای اجتماعی معنا می‌دهند؛ انسان را هدایت

1. Anthony Giddens

2. Socialization

می‌کند و موجب اتصال انسان‌های (نسل‌های) مختلف به یکدیگر می‌شود. در خلال فرآیند اجتماعی شدن، افراد نقش‌های اجتماعی^۱ را می‌آموزند؛ اما انسان در برابر این توقعات و نقش‌ها منفعل نیست، بلکه با فردیت و آزادی اراده (خلأقیت و نوآوری) و در فرآیند مستمر کنش با دیگران، به درک و پذیرش این نقش‌ها نائل می‌شود. در جریان اجتماعی شدن، هر یک از افراد به حسی از هویت و توانایی تفکر و عمل مستقل می‌رسند. «هویت»^۲ به تلقی افراد از این که چه کسی هستند و چه چیزی برای آن‌ها معنادار است، مربوط می‌شود؛ منابع اصلی هویت هر فرد، جنسیت، تمایلات جنسی، ملیت یا قومیت و طبقه اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴-۴۵).

گیدنز تقسیم‌بندی هویت به «هویت اجتماعی» و «هویت شخصی»^۳ را تمایز تحلیلی می‌داند؛ تمایزی که میان اشکال هویت فقط برای سهولت در تحلیل صورت گرفته و در وادی حقیقت، پیوند تنگاتنگی میان آن‌ها وجود دارد (همان: ۶-۴۵). «هویت اجتماعی» ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به یک فرد نسبت داده می‌شود، لذا بُعد جمعی دارد و بر مبنای مجموعه‌ای از اهداف، ارزش‌ها یا تجربه‌های مشترک بنا شده است؛ در نتیجه نشان‌دهنده شیوه‌های همسانی افراد با یکدیگر است. «هویت شخصی»، فرآیند رشد و تکوین شخصی است، یعنی از این طریق افراد به خود معنای یگانه و منحصر به فرد می‌دهند لذا هویت شخصی نشانه‌های تمایز فرد در جهان پیرامون خودش است.

گیدنز در کتاب «تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید»، هویت را همان «خود» اعلام می‌دارد که پدیده‌ای سیال و پویا بوده و مداوم و روزمره در حال ایجاد شدن است و در فعالیت‌های بازتابی مورد حفظ و پشتیبانی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، دنیای تجدید^۴ برساخت کارهای نوین هویت شخصی متمرکز شده است که هم زاینده‌های امروزین^۵ هستند و هم به آن شکل می‌دهند، لذا «هویت شخصی همان خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد» (همان: ۸۱) و شکل‌دهنده مسیری است که فرد

1. Social Roles
2. Identity
3. "Social Identity" and "Self- Identity"

4. تجدید یا نو بودن Modernity

5. Modern



باید آن را طی مدتی بپیماید که «طول عمر» نامیده می‌شود، لذا هر فردی دارای زندگی‌نامه‌ای است که بازتاب اطلاعات اجتماعی و روان‌شناختی موجود دربارهٔ شیوه‌های ممکن زندگی او است (همان: ۳۲).

شخصی که ثبات معقولانه‌ای در هویت شخصی خود احساس می‌کند، زندگی‌نامه‌ای پیوسته و بدون بریدگی دارد و به همین دلیل می‌تواند به طور بازتابی با افراد دیگر درآمیزد؛ کم و بیش با آن‌ها ارتباط برقرارکند. چنین فردی از خلال نخستین روابط، نوعی پیلۀ محافظ برای خود دست و پا می‌کند که در جریان امور روزمره، بسیاری از خطرهای تهدیدکنندهٔ هویت خود را از صافی می‌گذراند. لذا هویت هر فرد را نباید در رفتار او یا در واکنش او با دیگران جستجو کرد؛ بلکه هویت فرد، در توانایی و ظرفیت او برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگی‌نامه‌اش است که به حفظ روابط متقابل و منظم با دیگران علاقمند است. زندگی‌نامه‌ای که بر واقعیت و نه بر خیال و امور ساختگی استوار است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۴). چنان که چارلز تایلر^۱ می‌گوید «برای آن که بدانیم کی هستیم، باید کم و بیش بدانیم که چگونه به صورتی که هستیم درآمده‌ایم و به کجا می‌رویم» (تایلر، ۱۹۸۹: ۴۰ و گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۴).

ریچارد جنکینز^۲ (۱۳۸۱) در کتاب «هویت اجتماعی»، چون گیدنز، در یک تمایز تحلیلی و نه واقعی، یک‌الگوی هویت‌شناسی واحد را برای هویت فردی و هویت اجتماعی به کار می‌برد؛ الگویی که روند هویت‌یابی را دارای دو وجه درونی و بیرونی می‌داند، اما در نهایت به یک جا ختم می‌شود. او معتقد است همهٔ هویت‌های انسان به یک جا ختم می‌شوند و آن «هویت اجتماعی» است. جنکینز این امر را طبیعی می‌داند چرا که هویت به «معنا» مربوط می‌شود و معنا خصیصهٔ ذاتی واژه‌ها و اشیاء نیست، بلکه نتیجه توافق یا فقدان توافق است، لذا قراردادی است؛ نوآوری محسوب می‌شود؛ اشتراکی است و چون و چرا می‌پذیرد؛ یعنی انعطاف‌پذیر است. در نتیجه، هویت اجتماعی خصلت یا خصیصهٔ همهٔ انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است؛ سرچشمهٔ معنا و تجربه برای مردم است و می‌توان بر این امر صحه گذاشت که هویت «برساخته»^۳ می‌شود. از نظر جنکینز هویت اجتماعی درک فرد از این مطلب

1. Charles Taylor
2. Richard Jenkin
3. Remade

است که «چه کسی است و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست؟» لذا بدون مشخص کردن چهارچوب برای هویت اجتماعی و فردی، هیچ‌یک از افراد با هم تفاوت نداشتند و هیچ‌یک قادر نمی‌شدند با دیگری نسبت معنادار یا سازگاری برقرار کنند؛ در واقع، «بدون هویت اجتماعی، جامعه‌ای در کار نیست» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۹-۶).

جنکینز تأکید می‌کند، اگر هویت شرط ضروری برای حیات اجتماعی است، برعکس آن نیز صادق است. هویت فردی، که در خویشی تجسم یافته، جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نیست، یعنی هویت در فرایندهای اجتماعی شدن اولیه و در سایر فرایندهای روزمره و جاری تعامل اجتماعی که افراد در تمامی طول عمرشان دارند، تعریف و بازتعریف می‌شود. آگاهی به وجود «خود» و پی بردن به کیستی و هویت خود از خلال ارتباط با دیگر جوامع و مردمان دیگر به وجود می‌آید (همان: ۷-۱۶)، لذا تفاوت هویت فردی و هویت جمعی در این جا است که یکی بر تفاوت و دیگری بر تشابه استوار است (جنکینز ۱، ۱۳۸۱: ۵-۳۴).

مید به عنوان پیش فراول ریچارد جنکینز، میان «من فاعلی» یا هویت فردی و «من مفعولی» یا هویت اجتماعی تفاوت قائل می‌شد. هر دوی این «من‌ها» در جریان تجارب و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. «من فاعلی» نشان‌دهنده حساسیت اندام (پاسخ) به وجه نظر دیگران است و «من مفعولی» مجموعه‌ای سازمان‌یافته از نظرات متظاهر دیگران است. آنچه که در این جا بر آن تأکید می‌شود «من مفعولی یا اجتماعی» است که حاصل مجموعه‌ای از رفتارهای شکل گرفته است که فرد آن را آموخته است. و بر این اساس «من اجتماعی» تبلور ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات جامعه است که پذیرش شده است (توسلی، ۱۳۸۲: ۲-۲۸۱).

جنکینز به تاسی از مید، در معنای تجسم‌یافتگی اعلام می‌دارد افراد به صورت آگاهانه اهداف خود را دنبال می‌کنند و درصدد هستند، چیزی یا کسی باشند یا چیزی یا کسی به نظر آیند تا بتوانند با موفقیت، هویت اجتماعی خاصی را به دست آورند، لذا آنچه مردم درباره‌ی ما می‌اندیشند، از آنچه ما درباره‌ی خودمان می‌اندیشیم، اهمیت کم‌تری ندارد. بی‌گمان، ما نه فقط خود را می‌شناسیم، بلکه با دیالکتیک درونی-برونی میان خودانگاره و تصویر عمومی، دیگران

1. جنکینز در پرورش نظریه هویت اجتماعی، تحت تأثیر اندیشه‌های کسانی چون هربرت مید، اروینگ گافمن، چارلز کولی و فردریک بارث مردم‌شناس است. از کار آن‌ها برداشتی از «خود» به عنوان ترکیبی جاری و در عمل همزمان، از تعریف خود (درونی) و تعاریف خود که دیگران عرضه کنند (برونی) حاصل می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵-۳۴).



را می‌شناسیم و توسط آن‌ها نیز شناخته می‌شویم (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸-۳۷). فردریک بارث^۱ نیز بر این باور صحنه می‌گذارد که فرستادن پیام راجع به هویت کافی نیست، این که پیام باید توسط دیگران صاحب اهمیت پذیرفته شود تا بتوان گفت هویتی کسب شده است (بارث، ۱۹۹۸ و جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۱).

بنابراین هویت هر فرد، آن چیزی است که او را شبیه خودش و متفاوت با دیگران می‌کند، آن چیزی که فرد توسط آن خودش را می‌شناسد و تعریف می‌کند و آن چیزی که توسط آن، شخص خودش را پذیرفته شده و شناخته شده از طرف دیگران احساس می‌کند. هویت جمعی (اجتماعی) نیز ترکیب مضمون‌های درهم آمیخته و جدایی‌ناپذیر شباهت و تفاوت انسانی در خلال عمل اجتماعی دائماً ساخته می‌شود و عملی فرایندی است که از طریق دیالکتیک درونی و برونی شناسایی و حاصل می‌شود (مید، ۱۹۳۴: ۴-۱۳۳؛ جنکینز، ۱۳۸۱: ۴-۶۳).

کسب هویت میان نوزاد و والدین نیز از این فرایند دو جانبه مستثنا نیست. ضمن آن‌که برخی از عناصر شناسایی هویت، مانند جنسیت، پیش از آن که کودک به آن آگاهی پیدا کند، از تبادلات میان دیگران مهم (خانواده، خویشاوندان و پرستار) آغاز می‌شود. جنسیت، آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل میان دیگران ساخته می‌شود. نوزاد خود را چنان می‌شناسد، که دیگران را می‌شناسند و در این میان نیز به صورت متقابل شناسایی می‌شود. با رسیدن کودک به سن ۲-۴ سالگی، جنسیت به وجه مهمی از خویشتنی تبدیل می‌شود. کودک خیلی زود به شناسایی خویش بر پایه جنسیت دست می‌یابد (دامون و هارت، ۱۹۸۸: ۳۰-۱ و جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۹۷). با این حال، هیچ اصل واقعی برای تکلیف یا به رسمیت شناختن این رابطه جنسیتی وجود ندارد، اما ممکن است در همه جا وجود داشته باشد؛ چرا که در همه دیدگاه‌های فرهنگی جهان، جنسیت از رایج‌ترین اصول طبقه‌بندی افراد است که الزام‌های بسیاری برای فرصت‌های زندگی و تجربیات همه طبقات مردم ایجاد می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲-۱۰۱).

از آن جا که نظر مستقلاً در خصوص هویت جنسیتی وجود ندارد، چهارچوب مفهومی این پژوهش به صورت تلفیقی از خلال دیدگاه‌های مطرح‌شده استخراج و بازتولید شد.

همان‌گونه که گیدنز «هویت» را به تلقی افراد از این که چه کسی هستند و چه چیزی برای آن‌ها معنادار است، تعریف می‌کند؛ این نگرش و تصویری که به مرور زمان بر حسب جنسیت در فرد ریشه جنسیتی می‌گیرد؛ فرد، تمایلات و تعاملات او را تحت کنترل قرار داده و تصویری خاص را در او می‌پروراند که مبنای بسیاری از نقش‌ها و تصورات او از «مرد بودن» یا «زن بودن» یا همان مردانگی و زنانگی می‌شود. بر همین مبنا می‌توان هویت جنسیتی را بازتابی از احساس مرد بودن یا احساس زن بودن فرد تلقی کرد که بر مجموعه‌ای از نگرش‌ها، الگوهای رفتاری و احساس مردانگی یا زنانگی مبتنی است. نتیجه این فرایند شکل‌گیری هویت جنسیتی در هر فرد است. هویت جنسیتی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، به صورت مداوم و روزمره در اجتماع ایجاد و دگرگون شده و در فعالیت‌های بازتابی حفظ و پشتیبانی می‌شود.

روش پژوهش

این مطالعه با هدف بررسی هویت جنسیتی زنان و مردان ساکن شهر تهران طراحی شده و به مقایسه نظرات افراد و بررسی ابعاد تفاوت شناختی آن‌ها از این هویت می‌پردازد، لذا از روش پیمایش و بر مبنای گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری پژوهش را افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود، ۳۴۲ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری با روش خوشه‌ای با احتمال متناسب با حجم نمونه تعیین و گردآوری داده‌ها در سه منطقه ۳، ۱۱ و ۱۸ شهر تهران انجام شد. برای تعیین این مناطق ابتدا نقشه شهر تهران به سه قسمت (خوشه) مساوی شمال، مرکز و جنوب تقسیم شد و از هر قسمت به قید قرعه و به صورت تصادفی یک منطقه انتخاب شد. در مرحله دوم، مجدداً در هر یک از این مناطق، ۳ محله به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تعیین نمونه‌گیری خوشه‌ای در محله‌ها نیز سه بلوک با عنوان بلوک اصلی، فرعی و رزرو انتخاب شد و افراد مورد مطالعه در این بلوک‌ها جستجو شدند و داده‌ها در محله‌های مورد نظر گردآوری شد. در خصوص روایی^۱ و پایایی^۲ پژوهش این نکته شایان ذکر است که اعتبار یا روایی

1. Validity
2. Reliability



دستیابی به این نکته است که آیا گویه‌ها و سنجه‌ها همان چیزی را می‌سنجد که مورد نظر و هدف محقق است (نگاه کنید به: ساروخانی، ۱۳۸۱؛ دواس، ۱۳۸۳: ۶۳ و عبداللهی، ۱۳۷۸: ۶۱) برای بالا بردن اعتبار پژوهش در هر مرحله از مشورت افراد صاحب‌نظر استفاده شد. بر این اساس پیش از تدوین گویه‌ها و پرسشنامه، به روش پانل ۳۰ صاحب‌نظر مفاهیم را ارزیابی کردند. در مرحله دوم، پرسشنامه اولیه تنظیم و در مرحله پیش‌آزمون^۱ تعداد ۳۳ پرسشنامه تکمیل و اطلاعات و داده‌ها بررسی شد تا خطا و موارد نادیده گرفته شده ارزیابی شود. در نهایت پرسشنامه با در نظر گرفتن عوامل سازنده هویت جنسیتی (تصورات فرد از خود، از جنسیت، از زندگی فردی، از خانواده و دوستان) تنظیم و تدوین شد. برای گردآوری اطلاعات از دو پژوهشگر حرفه‌ای استفاده شد؛ برای جلوگیری از خطای ناشی از جنس یا گفتار پژوهشگران، دو پژوهشگر یک زن و یک مرد انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز در چند مرحله و از طریق نرم‌افزار Spss انجام شده است. در تعمیم نتایج به جمعیت آماری، سطح معناداری کم‌تر از ۰.۰۵ در نظر گرفته شده است.

تعریف مفاهیم

هویت جنسیتی

هویت جنسیتی^۲ یک حالت رفتاری و بازتابی از احساس مرد یا زن بودن فرد است؛ این واژه برای بیان احساس مردانگی^۳ یا زنانگی^۴ فرد به کار می‌رود. مجموعه‌ای از نگرش‌ها و الگوهای رفتاری مبتنی بر احساس مرد بودن یا زن بودن است. (رجوع کنید به جنکینز، ۱۳۸۱؛ گیدنز، ۱۳۸۶ و هام ۱۳۸۲) در این پژوهش، هویت جنسیتی تلقی حسی و رفتاری افراد از خود و الگوهای زنانه و مردانه حاکم بر رفتار، نگرش و ارتباط‌های خود است که از طریق باورهای فرد و دیگران نسبت به او و جنسیت او حاصل می‌شود.

-
1. PreTest
 2. Gender Identity
 3. Masculinity
 4. Femininity

تصور فرد از خود

درون یک فرد یا آن چه ما خود وجودی یک فرد می‌نامیم چیست و چگونه تشکیل می‌شود. «چارلز هورتن کولی» و «هربرت مید»^۱ مفهوم «خود»^۲ را خودآگاهی و تصور فرد از خودش تعریف می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۵-۲۸۴)؛ در این پژوهش خود وجودی فرد، از پیوند بین تصور فرد نسبت به خود، نسبت به جنسیت خود و نسبت به زندگی خود حاصل می‌شود.

جدول ۱: مؤلفه و شاخص‌های عامل «خود فرد» در مفهوم هویت جنسیتی

عامل	مؤلفه	شاخص
خودفرد	اهمیت جنسیت	۱- تصور خانواده نسبت به جنسیت فرد
		۲- تأثیر جنسیت بر تجربه‌های فرد
		۳- ارتباط تجربه‌های دیگران با جنسیت آن‌ها
		۴- اهمیت جنسیت مشاوران برای فرد
تصور از خود	تصور از خود	۱- میزان تفکر فرد نسبت به خود
		۲- تصور فرد از خودش
		۳- اهمیت تجربه‌های فرد در شخصیت او
تصور از زندگی فردی	تصور از زندگی فردی	۱- تصور نسبت به زندگی
		۲- اهمیت تصورات دیگران در زندگی فرد

تصور خانواده از فرد

«خانواده» کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که در همه جوامع دیده می‌شود و از پیوند خونی یا نکاحی میان افراد تشکیل می‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۲۷۲). خانواده بر حسب یک تصور عمومی، نهادی است که فرد در آن متولد می‌شود، رشد می‌کند و فرایند اولیه اجتماعی شدن در آن‌جا آغاز می‌شود. در این پژوهش، خانواده مهم‌ترین عامل و نقش‌دهنده

1. Koli & Mead
2. Self



جامعه‌پذیری فرد و شکل‌گیری تصورات و عقاید فرد است. در این پژوهش تصور خانواده از فرد و از «مرد بودن» و «زن بودن» مورد نظر است.

جدول ۲: مؤلفه و شاخص‌های عامل «خانواده» در مفهوم هویت جنسیتی

عامل	مؤلفه	شاخص
ارتباط با خانواده		۱- اهمیت ارتباط با خانواده
		۲- میزان ارتباط با خانواده
		۳- میزان تأثیر عقاید خانواده بر رفتار فرد
		۴- میزان مشورت از خانواده
خانواده	اهمیت تصورات خانواده	۱- تصور فرد از خانواده
		۲- تصور خانواده از فرد
		۳- میزان تشابه عقاید فرد و خانواده
		۴- تصور خانواده از مرد
		۵- تصور خانواده از زن
اهمیت تحصیلات والدین	۱- تأثیر تحصیلات والدین بر فرد	

تصور دوستان از فرد

این پژوهش دوستان را هر فرد مؤنث یا مذکری تعریف کرده است که بعد از خانواده، تصور او بیش‌ترین تأثیر را بر فرد داشته است. تصورات دوستان نیز شامل تصور آن‌ها از فرد و از «مرد بودن» و «زن بودن» است.

جدول ۳: مؤلفه و شاخص‌های بُعد «دوستان» در مفهوم هویت جنسیتی

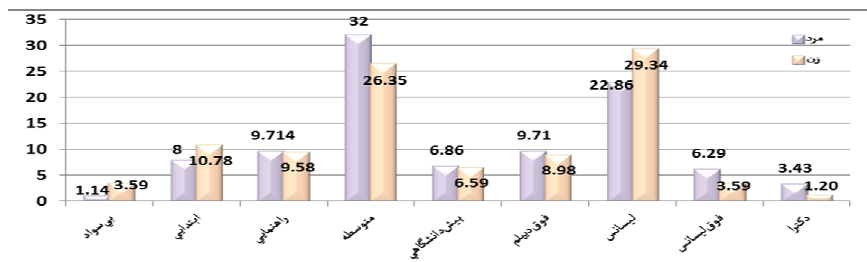
عامل	مؤلفه	شاخص
اهمیت ارتباط با دوستان		۱- میزان ارتباط با دوستان
		۲- میزان تأثیر عقاید دوستان بر رفتار فرد
دوستان	اهمیت تصورات دوستان	۱- تصور فرد از دوستان
		۲- تصور دوستان از فرد
		۳- تصور دوستان از مرد
		۴- تصور دوستان از زن

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت نمونه

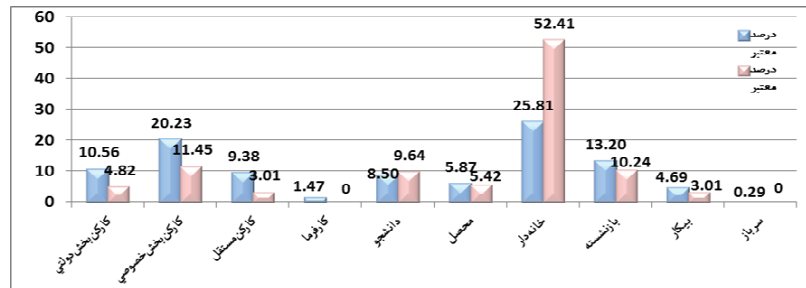
۵۱.۲ درصد پاسخ‌گویان را مردان و ۴۸.۸ درصد پاسخ‌گویان را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش ۴۰ سال است. ۲۵ درصد پاسخ‌گویان یعنی ۲۳۰ فرد، در شهر تهران متولد شده‌اند، ۳۱.۵۸ درصد محل تولد خود را سایر شهرها و ۱.۱۷ درصد روستا اعلام کردند. ۶۴.۶۲ درصد پاسخ‌گویان متأهل بوده‌اند. پاسخ‌گویان مجرد یعنی کسانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند ۳۰.۴۱ درصد پاسخ‌گویان را به خود اختصاص داده‌اند. درصد متأهلان در میان زنان پاسخگو بیش از مردان است.

۲۹.۲۴ درصد پاسخگویان سطح تحصیلات متوسطه دارند و پاسخ‌گویان دارای تحصیلات لیسانس، ۲۶.۰۲ درصد پاسخ‌گویان را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع ۴۱ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند. نمودار زیر سطح تحصیلات مردان و زنان را به تفکیک نشان می‌دهد.



نمودار ۱: سطح تحصیلات پاسخ‌گویان به تفکیک جنس

بررسی وضع فعالیت پاسخگویان حاکی از آن است که در میان شاغلان، کارکنان بخش خصوصی ۲۰.۱۸ درصد پاسخ‌گویان را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن کارکنان بخش دولتی و کارکنان مستقل به ترتیب بیش‌ترین درصدها را دارا هستند. نتایج وضعیت شغلی زنان و مردان نشان از آن داشت که مردان بیش از زنان به مناصب اجتماعی اشتغال دارند؛ در حالی که بیش‌ترین درصد زنان خانه‌دار هستند.



نمودار ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت شغلی به تفکیک جنس

هویت جنسیتی زنان و مردان در تهران

دورنمای کلیدی هویت فرد در جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری او نهفته است؛ افراد به‌طور مداوم و روزمره در اجتماع با تأثیرهای انکارناپذیر مفاهیم و الگوها مواجه هستند که نگرش‌ها، الگوهای رفتاری و احساس مردانگی یا زنانگی آن‌ها را ایجاد، تقویت و دگرگون می‌کند؛ این هویت جنسیتی که بازتابی از احساس مرد بودن یا احساس زن بودن را در فرد بارور می‌کند، طی تعامل میان فرد و جامعه، حفظ و پشتیبانی می‌شود. این پژوهش مدعی است اعتقاد صحیح و راستین هر فرد نسبت به جنسیت او یا تصورات دیگران از فرد، شکل‌دهنده راهی است که فرد باید آن را در طی عمر خود بییابد. بر این مبنا هویت جنسیتی حاصل پیوند تصور فرد از خود، تصورات خانواده و تصورات دوستان از فرد و جنسیت او است.

تصور فرد از خود

این متغیر حاصل تصور افراد نسبت به خودشان، جنسیت و زندگی آن‌ها است، لذا این متغیر در سه بُعد اهمیت جنسیت، خود و زندگی فردی بررسی شد:

در بُعد اول، تصورات حاکم بر جنسیت و تصورات جنسیتی حاکم بر تجربه و زندگی در نظر گرفته شد و میزان اهمیت جنسیت، میزان سخت‌گیری خانواده به دلیل جنسیت بر فرد و میزان مورد مشورت قرار دادن افراد به واسطه جنسیت آن‌ها بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد: ۴۰.۰۶ درصد وابستگی تجربه‌های خود به جنسیت را زیاد دانسته‌اند و ۲۱.۰۵ درصد تأثیر جنسیت بر تجربه فرد را خیلی زیاد اعلام کرده‌اند؛ مردان بیش از زنان به تأثیر جنسیت بر تجربه‌ها اشاره داشته‌اند. همچنین مردان بیش از زنان، از افراد هم‌جنس خود مشورت می‌گیرند.

بُعد دوم، حاصل تفکر افراد نسبت به بودن خود است. این‌که چه کسی هستند و چه تصویری از خود دارند؛ زمانی که فرد به خودش فکر می‌کند آیا احساس اندوه می‌کند و با خود می‌اندیشد کاش جنسیت دیگری داشتند؛ چرا که اهمیت «خود» می‌تواند برآیند تأثیر تجربه‌های افراد باشد. نتایج حکایت از آن دارند که زنان بیش از مردان به این موضوع که «چه کسی هستند» فکر می‌کنند، اما مردان در مقایسه با زنان، تصور مطلوب‌تری از خود دارند (۹۰ درصد و ۸۶ درصد) و درصد بیش‌تری از مردان در مقایسه با زنان اظهار داشته‌اند که هیچ‌گاه از جنسیت خود احساس اندوه نکرده‌اند (۶۸ درصد و ۴۸.۵ درصد) و در مقابل، زنان به نسبت مردان، برای متفاوت بودن جنسیت تمایل بیش‌تری داشتند.

بُعد سوم، به تصور افراد نسبت به زندگی خود اشاره دارد. تصور افراد که چقدر زندگی آرام و شیرین دارند و این که تصورات دیگران چه نقشی در زندگی آن‌ها دارد و چقدر رفتار خود را بر اساس عقاید دیگران تغییر می‌دهند؛ دورنمایی از زندگی افراد و تصور افراد نسبت به زندگی خود را ترسیم می‌کند. نتایج نشان می‌دهد مردان بیش از زنان معتقد هستند در زندگی شادی و آرامش دارند (۴۵.۱۴ درصد و ۴۱.۹۱ درصد). تنها ۱۲.۸۰ درصد پاسخ‌گویان این فرض را پذیرفته‌اند که چنانچه جنسیت دیگری می‌داشتند، زندگی آن‌ها آرام و شیرین‌تر می‌شد. زنان بیش از مردان به تصورات دیگران در زندگی خود اهمیت می‌دهند و مردان کم‌تر از زنان، رفتار خود را بر اساس عقاید دیگران تغییر می‌دهند.

در مجموع، آزمون من-ویتنی^۱ نشان داد تفاوت معنادار میان پاسخ‌گویان زن و مرد دیده می‌شود؛ لذا تفاوت‌های اعلام شده تصادفی نیست و میانگین متغیر «تصور از خود» حکایت از آن دارد که مردان بیش از زنان نسبت به خود تصور مثبت و مطلوب دارند.

جدول ۴: آزمون معناداری من-ویتنی متغیر «تصور از خود» به تفکیک جنس

Asymp. Sig. (2-tailed)	Z	Wilcoxon W	Mann-Whitney U	Sum of Ranks	Mean Rank	N	جنس	عامل
۰.۰۰۰	-۳.۵۲۹	۲۵۸۶۸.۵	۱۱۸۴۰.۵	۳۲۷۸۴.۵	۱۸۷.۳۴	۱۷۵	مرد	تصور از خود
				۲۵۸۶۸.۵	۱۵۴.۹	۱۶۷	زن	

1. Mann Withney



آزمون معناداری در سطح منطقه محل سکونت با استفاده از آنالیز واریانس نیز نشان می‌دهد متغیر «تصور از خود» یا سطح معناداری ۰.۴۰۴ با توجه به منطقه محل سکونت ارتباط معنادار ندارد و تفاوت‌های مشاهده شده ناچیز و تصادفی تلقی می‌شود.

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس متغیر «تصور از خود» در سطح مناطق

متغیر	موقعیت	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	.Sig
	بین مناطق	۱.۰۵۸	۲	۰.۵۲۹	۰.۹۰۹	۰.۴۰۴
تصور از خود	درون مناطق	۱۹۷.۳۱۶	۳۳۹	۰.۵۸۲		
	کل	۱۹۸.۳۷۴	۳۴۱			

جدول ۶: مقایسه زوجی متغیر «تصور از خود» در بین مناطق با استفاده از آزمون توکی^۱

متغیر	(I) منطقه	(J) منطقه	Mean Difference (I-J)	Std. Error	.Sig	Confidence Interval	
						Upper Bound	Lower Bound
	منطقه ۳	منطقه ۱۱	۰.۰۹۶	۰.۱۰۱	۰.۶۰۶	-۰.۱۴	۰.۳۳
	منطقه ۱۱	منطقه ۱۸	۰.۱۳۲	۰.۱۰۱	۰.۳۹۵	-۰.۱۱	۰.۳۷
تصور از خود	منطقه ۱۱	منطقه ۳	-۰.۰۹۶	۰.۱۰۱	۰.۶۰۶	-۰.۳۳	۰.۱۴
	منطقه ۱۸	منطقه ۳	-۰.۰۳۵	۰.۱۰۱	۰.۹۳۶	-۰.۲	۰.۲۷
	منطقه ۱۸	منطقه ۱۱	-۰.۱۳۲	۰.۱۰۱	۰.۳۹۵	-۰.۳۷	۰.۱۱
	منطقه ۱۱	منطقه ۱۸	-۰.۰۳۵	۰.۱۰۱	۰.۹۳۶	-۰.۲۷	۰.۲

تصور خانواده از فرد و جنسیت

بخش جالب توجهی از نگرش زنان و مردان نسبت به خود وجودی و جنسیت خود، ناشی از تصورات دیگران (خانواده، دوستان و همسالان) است که بسیاری از تصورات و اندیشه‌های آتی فرد را فراهم می‌آورد. در این پژوهش ارتباط با خانواده و اهمیت تصورات خانواده، تغییر

1. Tukey HSD

رفتار بر اساس عقاید آن‌ها و میزان مشورت‌گیری از اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر توجه شده است. نتایج نشان داد اکثریت پاسخ‌گویان اهمیت ارتباط با اعضای خانواده را در زندگی خود بسیار زیاد و زیاد می‌دانند، گرچه زنان کمی بیش از مردان به اهمیت میزان ارتباط با خانواده اذعان کرده‌اند. تأثیر عقاید و خواسته‌های خانواده در زندگی مردان بیش از زندگی زنان است. ۶۹.۱۴ درصد مردان تأثیر عقاید خانواده را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند، در حالی که این آمار برای زنان ۶۳.۳۳ درصد است. در زمینه مشورت با والدین، نتایج حکایت از همسازهای جنسیتی در مشورت‌گیری دارند؛ به این معنا که پاسخ‌گویان مرد بیش‌تر از پدران خود و پاسخ‌گویان زن بیش‌تر از مادران خود مشورت می‌گیرند.

ضمن آن‌که نتایج نشان داد سخت‌گیری خانواده برای زنان به دلیل تفاوت جنسیت آن‌ها بیش‌تر است و این تفاوت، می‌تواند مبنای اولین نابرابری میان زنان و مردان باشد. مردان بیش از زنان معتقد هستند خانواده آن‌ها به دلیل جنسیت‌شان بر آن‌ها سخت‌گیری نمی‌کنند (۴۷.۴۳ درصد و ۳۸.۵۵ درصد) بیش از ۹۶ درصد افراد مورد مطالعه معتقد بودند که والدین برای دختران بیش از پسران نگران هستند و مردان بیش از زنان معتقد بودند والدین برای دختران نگرانی بیش‌تری دارند (۸۳.۴۳ درصد و ۶۹ درصد). نتایج نشان می‌دهد میزان تشابه میان عقاید مردان و خانواده آن‌ها بیش از زنان است (۴۰.۲۳ درصد و ۳۴.۷۳ درصد)؛ در مجموع بیش‌تر پاسخ‌گویان تصورات خانواده را در زندگی خود دارای اهمیت زیادی اعلام کرده‌اند. در این رابطه، تفاوت معنادار میان پاسخ‌گویان زن و مرد مشاهده می‌شود؛ لذا تفاوت‌های اعلام شده تصادفی نیست و مردان بیش از زنان به تصورات خانواده اهمیت می‌دهند.

جدول ۷: آزمون معنادار من-ویتنی متغیر «تصورات خانواده» به تفکیک جنس

متغیر	جنس	تعداد	Mean Rank	Sum of Ranks	Mann-Whitney U	Wilcoxon W	Z	Asymp. Sig. (2-tailed)
تصورات خانواده	مرد	۱۷۵	۱۷۲.۵۳	۳۰۱۹۲	۱۴۴۳۳	۲۸۴۶۱	۲.۲۱۸	۰.۰۰۲
	زن	۱۶۷	۱۷۰.۴۳	۲۸۴۶۱				

آزمون معناداری در سطح منطقه محل سکونت و بین مناطق نشان دهنده آن است که این متغیر در سطح منطقه و در سطح بین مناطق ۳ و ۱۸ و ۱۱ و ۱۸ معنادار است. تفاوت‌های



موجود تأیید می‌شود و تصادفی نیست.

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس متغیر «تصورات خانواده» در سطح مناطق

متغیر	موقعیت	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
تصورات خانواده	بین مناطق	۱۴.۷۷۸	۲	۷.۳۸۹	۱۴.۳۵۱	۰.۰۰۰
	درون مناطق	۱۷۴.۵۴۴	۳۳۹	۰.۵۱۵		
	کل	۱۸۹.۳۲۲	۳۴۱			

جدول ۹: مقایسه زوجی متغیر «تصورات خانواده» در بین مناطق با استفاده از آزمون توکی

متغیر	(I) منطقه	(J) منطقه	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	Confidence Interval %۹۵ Upper Bound Lower Bound
تصورات خانواده	منطقه ۳	منطقه ۱۱	۰.۰۵۳	۰.۰۹۵	۰.۸۴۵	۰.۱۷- ۰.۲۸
		منطقه ۱۸	(x)۴۱۲.-	۰.۰۹۵	۰.۰۰۰	۰.۶۴- ۰.۱۹
	منطقه ۱۱	منطقه ۳	۰.۰۵۳-	۰.۰۹۵	۰.۸۴۵	۰.۲۸- ۰.۱۷
		منطقه ۱۸	(x)۴۶۵.-	۰.۰۹۵	۰.۰۰۰	۰.۶۹- ۰.۲۴
	منطقه ۱۸	منطقه ۳	(x)۴۱۲.	۰.۰۹۵	۰.۰۰۰	۰.۱۹ ۰.۶۴
		منطقه ۱۱	(x)۴۶۵.	۰.۰۹۵	۰.۰۰۰	۰.۲۴ ۰.۶۹

تصور دوستان از فرد و جنسیت

این پژوهش دوستان را هر فرد مؤنث یا مذکری تعریف کرده است که بعد از خانواده، بیش‌ترین تأثیر را بر فرد داشته است؛ این افراد که می‌توانند بر حسب مناسبات فرد با او رابطه نسبی یا مناسبی داشته باشند، کسانی هستند که ارتباط با آنها و تصورات آنها برای فرد اهمیت تأمل‌پذیری دارد. اهمیت ارتباط با دوستان، میزان ارتباط فرد با دوستان، تأثیر عقاید و خواسته‌های دوستان از فرد و تصور آنها از مرد بودن و زن بودن ارزیابی شده است. ۷۶ درصد پاسخ‌گویان عقاید و افکار دوستان را در زندگی خود مهم و مؤثر دانسته‌اند. پاسخ‌گویان مرد و زن در میزان اهمیت ارتباط با دوستان خود، نزدیکی زیادی به یکدیگر دارند.

حدود ۸۰ درصد افراد مورد مطالعه اظهار کرده‌اند به عقاید دوستان خود اهمیت می‌دهند و بر اساس عقاید آن‌ها رفتار کرده‌اند؛ مردان بیش از زنان بر اساس عقاید دوستان خود دست به کاری می‌زنند. با وجود این زنان بیش از مردان به تصورات دیگران در زندگی خود اهمیت می‌دهند. (۳۰.۵۴ درصد و ۲۲.۸۶ درصد)

در مجموع، آزمون معناداری من-ویتنی نشان داد تفاوت میان پاسخ‌گویان زن و مرد تصادفی است و در جمعیت واقعی چنین تفاوتی در میان زنان و مردان مشاهده نمی‌شود.

جدول ۱۰: آزمون معناداری من ویتنی متغییر «تصورات دوستان» به تفکیک جنسیت

متغیر	جنس	تعداد	Mean Rank	Sum of Ranks	Mann-Whitney U	Wilcoxon W	Z	Asymp. Sig. (2-tailed)
تصورات دوستان	مرد	۱۷۵	۱۶۶.۶۷	۲۹۱۶۷.۵	۱۳۷۶۷.۵	۲۹۱۶۷.۵	-۰.۹۲۵	۰.۳۵۵
	زن	۱۶۷	۱۷۶.۵۶	۲۹۴۸۵.۵				

آزمون معناداری در سطح منطقه محل سکونت با کمک از آنالیز واریانس نشان می‌دهد این متغیر با توجه به منطقه محل سکونت دارای ارتباط معنادار بین منطقه‌ای است. ضمن آن که برای سطح معناداری بین مناطق نیز آزمون توکی بر روی آنالیز واریانس حکایت از آن رابطه معنادار در مناطق ۳ و ۱۸ با هم و ۱۱ و ۱۸ با هم دارد.

جدول ۱۱: آزمون تحلیل واریانس متغیر «تصورات دوستان» در سطح مناطق

متغیر	موقعیت	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
تصورات دوستان	بین مناطق	۴۰.۹۳	۲	۲۰.۴۶۵	۲۰.۱۷۴	۰.۰۰۰
	درون مناطق	۳۴۳.۹۰۲	۳۳۹	۱.۰۱۴		
	کل	۳۸۴.۸۳۲	۳۴۱			



جدول ۱۲: مقایسه زوجی متغیر «تصورات دوستان» در بین مناطق با استفاده از آزمون توکی

متغیر	منطقه (I)	منطقه (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	.Sig	Confidence Interval / ۹۵
						Upper Bound Lower Bound
تصورات دوستان	منطقه ۳	منطقه ۱۱	۰.۱۴۵۸۳	۰.۱۳۳۴۱	۰.۵۱۹	۰.۱۶۸۲- ۰.۴۵۹۹
	منطقه ۱۱	منطقه ۱۸	۰.۱۴۵۸۳ (x)	۰.۱۳۳۴۱	۰.۵۱۹	۰.۹۶۴- ۰.۴۵۹۹
	منطقه ۱۸	منطقه ۳	۰.۱۴۵۸۳ (x)	۰.۱۳۳۴۱	۰.۵۱۹	۰.۱۶۸۲ ۰.۴۵۹۹-
	منطقه ۳	منطقه ۱۸	۰.۱۴۵۸۳ (x)	۰.۱۳۳۴۱	۰.۵۱۹	۰.۹۶۴ ۰.۴۵۹۹-
	منطقه ۱۸	منطقه ۱۱	۰.۱۴۵۸۳ (x)	۰.۱۳۳۴۱	۰.۵۱۹	۰.۴۸۱۸- ۰.۱۰۹۹
	منطقه ۱۱	منطقه ۱۸	۰.۱۴۵۸۳ (x)	۰.۱۳۳۴۱	۰.۵۱۹	۰.۹۶۴ ۰.۴۸۱۸-

در مجموع «هویت جنسیتی» بر اساس معرف‌های تصور فرد از خود (تصور از جنسیت، خود و زندگی فردی)، تصورات خانواده و تصورات دوستان ساخته شد. نتایج نشان می‌دهد تمامی پاسخ‌گویان به تأثیر جنسیت بر هویت خود و تصور افراد مهم (خانواده و دوستان) اذعان دارند. در تقسیم‌بندی هویت جنسیتی در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی، بیش‌تر پاسخ‌گویان (۶۳.۷۴ درصد) در سطح متوسطی از هویت جنسیتی قرار می‌گیرند و تنها ۲۲.۸۱ درصد آن‌ها هویت جنسیتی قوی دارند. مقایسه مردان و زنان حاکی از آن است که درصد مردانی که هویت جنسیتی قوی‌تری دارند بیش از زنان است (جدول ۷).

جدول ۱۳: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب سطح هویت جنسیتی

هویت جنسیتی	ضعیف	متوسط	قوی	جمع کل
کل	۱۳.۴۵	۶۳.۷۴	۲۲.۸۱	۱۰۰ ۳۴۲
مرد	۹.۷۱	۶۴	۲۶.۲۹	۱۰۰ ۱۷۵
زن	۱۷.۳۷	۶۳.۴۷	۱۹.۱۶	۱۰۰ ۱۶۷

نتایج بررسی بر حسب منطقه محل سکونت نشان می‌دهد جامعه آماری این پژوهش در

منطقه ۱۸ به نسبت منطقه ۳ و ۱۱، هویت جنسیتی قوی تری دارند (به ترتیب ۳۳.۳ درصد، ۲۸ درصد و ۲۷.۲ درصد).

جدول ۱۴: نظر پاسخ گویان به متغیر «هویت جنسیتی» بر حسب منطقه محل سکونت

جمع کل	قوی	متوسط	ضعیف	هویت جنسیتی
۱۰۰	۲۹.۵۰	۶۱.۷۰	۸.۸۰	کل
۳۴۲				
۱۰۰	۲۸.۱۰	۶۳.۲۰	۸.۸۰	منطقه ۳
۱۱۴				
۱۰۰	۲۷.۲۰	۵۹.۶۰	۱۳.۲۰	منطقه ۱۱
۱۱۴				
۱۰۰	۳۳.۳۰	۶۲.۳۰	۴.۴۰	منطقه ۱۸
۱۱۴				

بحث و نتیجه گیری

فرض بنیادین این پژوهش بر این مبنا استوار بود که اعتقاد و تصور هر فرد نسبت به جنسیت خود یا تصورات دیگران (خانواده و دوستان)، فرد را در مسیری سوق می دهد که شکل دهنده تمام مسیر طول عمر اوست؛ نتایج بررسی این پژوهش نشان داد مردان در مقایسه با زنان نسبت به خود، تصور مثبت و مطلوب تری دارند. مردان بیش از زنان از جنسیت خود احساس رضایت می کنند. هم چنان که مردان بیش از زنان معتقد هستند در زندگی شادی و آرامش دارند. سخت گیری خانواده برای زنان به دلیل تفاوت جنسیت بیش از مردان است؛ این تفاوت می تواند مبنای اولین نابرابری میان زنان و مردان باشد. بیش از ۹۵ درصد افراد معتقد هستند بین عقاید آن ها و خانواده تشابه وجود دارد و میزان تشابه بین عقاید مردان و خانواده آن ها بیش از زنان است.

بدیهی است که این نتایج نشان می دهد هویت جنسیتی نشأت گرفته از تصور فرد نسبت به خود و جنسیت خود، تصورات خانواده و دوستان است. البته، مردان نسبت به زنان هویت جنسیتی قوی تری دارند. جنسیت در تصورات و ارتباط میان افراد و موقعیت ها نفوذ کرده است و به عبارتی دیگر، فرصت ها و محدودیت هایی را به لحاظ جنسیتی برای آن ها ایجاد می کند.



این امر همان مبنای نظری است که اعلام می‌کند مردان یا زنان، «مرد» یا «زن» متولد نمی‌شوند، بلکه به طریق اجتماعی، مرد یا زن به وجود می‌آیند و یاد می‌گیرند هویت مردانه یا زنانه بپذیرند؛ در نتیجه انتظار و نقش‌های جنسیتی یا الگوهای رفتاری خاصی را بر عهده می‌گیرند که مبنای توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات برای زنان و مردان است. محروم ماندن زنان و مردان از انتخاب و بازآگاهی از نقش‌ها و تعهدات فردی و اجتماعی آن‌ها سبب می‌شود، نوعی الگوی کاری یا الگوی فکری برای هر دو جنس ملاک رفتار و اندیشه قالبی آن‌ها باشد. به‌رغم حضور زنان در جامعه و کسب پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی فعال‌تر، هنوز تصورات و الگوهای قالبی در رفتار و اندیشه‌های آن‌ها تعیین‌کننده است. نتایج در راستای پژوهش‌های دامون و هارت و جنکینز بوده است. در واقع چنانچه جنکینز اشاره می‌کند جنسیت از رایج‌ترین اصول طبقه‌بندی افراد است که الزام‌های بسیاری برای فرصت‌های زندگی و تجربیات آن‌ها ایجاد می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲-۱۰۱). البته، باید به این نکته نیز اشاره کرد که نتایج پژوهش همچنین حاکی از آن است که به‌رغم رواج عقاید و تصورات مردمحور، درصد شایان توجهی از مردان مورد مطالعه تشابه عقاید زیادی با زنان داشته‌اند و بیش از نیمی از آن‌ها تصورات خود، خانواده و دوستان آن‌ها مشابه پاسخگویان زن بوده است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در کنار تفاوت‌های مردان و زنان به شباهت‌های موجود در تصورات و هویت آن‌ها نیز توجه شود. ضمن آن‌که انجام‌دادن این پژوهش یا پژوهشی مشابه در سایر شهرها با فرهنگ‌های متفاوت یا خرده فرهنگ‌های غیر همسان نیز می‌تواند ابعاد بیش‌تری از موضوع را روشن کند؛ چراکه تفکیک‌های جنسیتی زنان و مردان، نابرابری‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. اگر جامعه، به معنای عام، از خانواده تا رسانه‌ها و سازمان‌های عمومی، امکانات و فرصت‌های ذهنی و عینی برابری را برای زنان و مردان فراهم کند، سرمایه‌های انسانی توان خود را در همه عرصه‌های عمومی و خصوصی تواناتر خواهند کرد. تفاوتی‌هایی که موقعیت‌ها و تصورات برای زنان و مردان به وجود می‌آورد، همواره به جدا شدن بیش‌تر قلمرو زنان و مردان منجر خواهد شد.

منابع

- تاجبخش، کیان (۱۳۸۶). آرمان شهر: فضا، هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نی.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت/اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۶). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). تجلّد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی (با تجدید نظر کامل و روزآمد شده). ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- هام، مگی (۱۳۸۲). فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر و نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره‌داغی، تهران: توسعه.

- Archer. M.(1988). *Culture and Agency: The Place of Culture in Social Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Barth. F.(1998). *Ethnic Group and Boundaries: The Social Organization of Cultural Difference*, Waveland Press. New York: McGraw-Hill.
- Mead. G. H.(1934). "Mind, Self and Society" in *Standard of Social Behaviorist*. C. W. Morris, (ed.), Chicago, University of Chicago Press.
- Taylor. C.(1989). *Sources of the Self: The Making of the Modern Identity*. Harvard University Press.



نویسندگان

سوسن باستانی

sbastani@alzahra.ac.ir

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)، داکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تورنتو حوزه تخصصی تحلیل شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و فضای مجازی و روابط جنسیتی او مجری طرح پیمایش ملی «ایران و اینترنت» است که در سال ۱۳۸۴ با حمایت تکفا و در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ با حمایت بانک توسعه اسلامی انجام شده است او در کارنامه فعالیت های علمی و آموزشی خود ریاست دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء(س) (۱۳۸۳-۱۳۸۸)، مدیریت گروه مطالعات زنان(۱۳۸۳-۱۳۸۴) و عضویت هیأت مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۷-۱۳۹۲) را دارد.

پریسا موسی نژاد

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء(س)، او هم‌اکنون رئیس اداره پژوهش‌های محلی اداره کل مطالعات معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران است، کارهای او بیش‌تر در زمینه مطالعات و پژوهش در محله‌های شهر تهران و توانمندسازی و ترغیب دانش‌آموختگان علوم اجتماعی در زمینه مطالعه و فعالیت‌های اجتماعی در محل سکونت آنها است

